

# فراخوان

## برای تسویه حساب همگانی با امپریالیسم آمریکا

دیپلماسی شل کن سفت کن... امپریالیسم آمریکا در اوضاع و احوال جاری جهان، حکایت از آن دارد که اقتصاد دلاری - وال استریتی متداول در دوران معاصر تق و لُق، مختل شده، پا در هواست. می رساند که نظم مستقر، دموکراسی توطئه و حقه بازی، کلاهبرداری و تنزیل خوری... مثل سابق نمی گردد، اشتغال ایجاد نمی کند، با نیروی مولد، دست و ماشین، کار و سرمایه، با مولفه های اصلی تولید نمی سازد، جوش نمی خورد، رشد اقتصادی، افزایش سرانه تولید، ارزش افزائی، سرمایه سازی، نوآوری، مهارت فنی، بالندگی و ابتکار، فردانگری به سود زیست جمعی را اجازه نمی هد... در یک کلام، امپراتوری پول، تکرار نمی شود، سامان نمی گیرد، به هیچ صراتی مستقیم نیست.

در اینصورت، تعجبی ندارد که آقای ترامپ، سرمایه ناطق، دیوانه یا « عاقل »! هیچ فرقی نمی کند - گیج و مشنگ، سربه هواست، امروز می گوید و فردا پس میگیرد، می بافتد و می درد، فرمانده کل قوا، انگشت روی ماشه، عربده می کشد، ناسزا می گوید، نفس کش می طلبد، گرفتار نوعی عدم تحرک اقتصادی مزمن، پس رفت ماندگار اشتغال، ارزش افزائی سرمایه، تنزل نرخ سود، بحرانی همه جانبه و ساختاری... مثل سگ هار، پارس می کند. ساده لوحی روا نیست. چون دیپلماسی شل کن سفت کن... تا ابد نمی پاید. ناگفته نماند که فراخوان تروریستی جورج بوش ( اکبر ) در مورد « نظم نوین جهانی »! طرح اشغالگرانه جورج بوش ( اصغر ) در مورد « خاورمیانه بزرگ »! لشگر کشی، کشور گشائی، ویرانگری، کشتار جمعی... هنوز در دستور کار کاخ سفید قرار دارد.

در این ارتباط، حقیر هم، بارها هشدار دادم، نوشتم و تکرار کردم که آمریکا: دارنده و سازنده و فروشنده انواع سلاحهای ویرانگر، وسائل تعرضی، آماده و ذخیره، هسته ای و شیمیائی و میکروبی و بیولوژیکی، زمینی و دریائی و هوائی و فضائی، امکانات وسیع ارتباطی، کلی پایگاههای فعال برون مرزی، یک ارتش حرفه ای منظم، نیرومند و حاضر به یراق + گروههای تروریستی پراکنده... آدمکشان نیابتی و قیامتی؟! این سگ هار، تروریست قهار، سوار بر اسب چموش، رخس بالدار ناتو، آرام نمی گیرد، منفور و منزوی، در قلعه « اقتدار »! مقاصد شومی دارد. امپراتوری پول و زور، میلیتاریسم کور، قانونگریز مشهور، دشمن شعور، آزادی و استقلال... دست بردار نیست، نه می خواهد و نه می تواند زبان خوش داشته باشد، خواب نوعی فرمانروائی واحد، خودکامگی مطلق می بیند - جهانسالاری را حق خود می داند...!؟

این وظیفه همگانی ماست: ارزش آفرینان، رنجبران، کشاورزان و صنعتگران، خلع ید شدگان، نیروی زنده کار، مولد و متفکر، زن و مرد، پیر و جوان، کارگر و کارمند، شاغل و بیکار و بازنشسته، معلمان، پرستاران، میهن دوستان، استادان متعهد، روشنفکران مسئول، نویسندگان و روزنامه نگاران گستاخ، هنرمندان جانبدار، دانشجویان و دانش آموزان شجاع، مذهبی و لامذهب... ما که می خواهیم آزاد باشیم، مستقل و متحد و سربلند زندگی کنیم، ما که از جهل و خرافات، استبداد و استعمار بیزاریم، ما که از سرسپردگی بیشتر از مرگ نفرت داریم... این وظیفه همگانی ماست تا امپریالیسم آمریکا را از این « حق » مالکیت و فرمانروایی مطلق محروم کنیم... بقول لاهوتی:

## گر چرخ به کام ما نگردد کاری بکنیم تا نگردد

بوی جنگ به مشام می رسد، جنگی بزرگ، تمام عیار، میان غول های کلفت، کارتل های نفتی، کمپانی های انحصاری، شرکت های مادر و خواهر و خواهرزاده، نهادهای پولی و مالی، محافل صنعتی و تجاری، سلاطین بورس و تسلیحات و مستغلات، برای کنترل بازار بین المللی، تمام منابع طبیعی، مواد خام و انرژی... مهار زیست جمعی، تسلط انحصاری بر تولید و بازرگانی جهان.

دلایل و شواهد زنده ای وجود دارد - از اشغال یوگسلاوی و سومالی و افغانستان و عراق و لیبی و مالی... در این یکی دو دهه اخیر گرفته تا ظهور تروریسم « اسلامی »! گسترش ماجراجویی، تحریک و تحریم، تهدید و تجاوز، ویرانگری، کشتار، ترور خلق ها، اختناق ملت ها، اشاعه خشونت، کشمکش های مذهبی، نژاد پرستی، خارجی هراسی، بیگانه ستیزی... مبنی بر اینکه دنیای « آزاد »! غرق بحران، زار و نزار، متعادل نیست. قرانن نشان می دهد که داده های نوین دیگر در قالب ها و ساختارهای کهن نمی گنجند، مرکز ثقل تولید، کشاورزی و صنعت و بازرگانی، از غرب به شرق منتقل شده است، گواهی می دهد که آرایش نیروهای بین المللی، کار و سرمایه، بازمانده دوران منقضی، عهد رقابت اردوگاهی، زد و بندهای پشت پرده، دیپلماسی سری... دوره « جنگ سرد »؟! دیگر با وزن مخصوص اقتصادی کشورهای ریز و درشت سرمایه داری هماهنگی ندارد. باز جغرافیای سیاسی جهان در شرف تغییری خوشنوبر قرار گرفته...

آزموده را آزمودن خطاست. دیپلماسی شل کن سفت کن... ترامپ تا ابد نمی پاید. توپ و تشر این تاجر احمق + ۱۲۰۰ میلیارد دلار، ۵۰٪ در صد آن تخفیف مالیاتی به بخش خصوصی و مابقی سرمایه گذاری دولتی جهت ترمیم راهها و جادهها و پل ها، افزایش موقت اشتغال و کشش تردد و مسائل موتوری در سطح ملی فقط برای فریب افکار عمومی و آرام کردن پشت جبهه بسیاق هیتلر و شرکاء در دوران منقضی است...

بوی جنگ به مشام می رسد، جنگی بزرگ، تمام عیار، میان غول های کلفت، کارتل های نفتی، کمپانی های انحصاری، شرکت های مادر و خواهر و خواهرزاده، نهادهای پولی و مالی، محافل صنعتی و تجاری، سلاطین بورس و تسلیحات و مستغلات، برای کنترل بازار بین المللی، تمام منابع طبیعی، مواد خام و انرژی... مهار زیست جمعی، تسلط انحصاری بر تولید و بازرگانی جهان.

اقتصاد جنگی، تولید برای اهداف نظامی، بخاطر ماجراجویی، تعرض و اشغال، ویرانگری، کشتار جمعی... میلیتاریسم افسار گسیخته برای ترور و اختناق و سرکوب، مهار خلق ها و ملت ها، جنبش کارگری در سطح ملی و بین المللی، کنترل مدعیان سمج، رقیبان قدیمی و جدید در شرایط اضطراری، هنوز فعال و پا برجا، استراتژی وال استریت، محافل پولی و مالی، صنعتی و تجاری، سلاطین بورس و تسلیحات و مستغلات آمریکائی، مرگانسیم و بیل گیتیس و گوگلیم و آمازونیم... را دنبال می کند.

بیخود نیست که امپریالیسم کلفت آمریکا - مدعی « جهانسالاری »! تنها می تازد، خود سرانه، بنام همه کشورهای جهان تصمیم می گیرد، طرح و برنامه ریزی می کند، برای این و آن خط و نشان می کشد، در مورد تمام مسائل کلیدی... حرف آخر را می زند. آقای « کاخ سفید »! شریک نمی پذیرد، رقیب نمی خواهد... بفکر کنترل جهان است. امپراتوری پول، در ذات خود مطلق گراست. قانون نمی شناسد، حساب پس نمی دهد. چطورا؟ خیلی ساده است. چون امپراتور، از هر قماش... اینجا خودکامگی مطلق پول، بقول مارکس، ثروت عام، نوعی دارائی « محض »!؟ تابع نظم و قانون، مطیع دولت، امپراتوری را نفی می کند.

این وظیفه همگانی ماست: ارزش آفرینان، رنجبران، کشاورزان و صنعتگران، خلع ید شدگان، نیروی زنده کار، مولد و متفکر، زن و مرد، پیر و جوان، کارگر و کارمند، شاغل و بیکار و بازنشسته، معلمان، پرستاران، میهن دوستان، استادان متعهد، روشنفکران مسئول، نویسندگان و روزنامه نگاران گستاخ، هنرمندان جانبدار، دانشجویان و دانش آموزان شجاع، مذهبی و لامذهب... ما که می خواهیم آزاد باشیم، مستقل و متحد و سربلند زندگی کنیم، ما که از جهل و خرافات، استبداد و استعمار بیزاریم، ما که از سرسپردگی بیشتر از مرگ نفرت داریم... این وظیفه همگانی ماست که با امپریالیسم ویرانگر آمریکا تسویه حساب کنیم.

رضا خسروی